ز) نقش کلیدی نظام چند ارزشی شارع در فهم انشائات طولی؛ انشاء طولی عزیمتی و فضیلتی

حالا به گام بعدی برویم. پس یکی این بود که اگر برای کسی باشد تا آخر عمر روزه می‌گیرد. یکی برای مریضی بود که در قضای او، برای مصلحت صوم، سال دخالت دارد. یکی دیگر... .

حرف آقا یادم آمد، فراموش نکنم عرض کنم؛ چیزی که من خیلی روی آن تأکید دارم، این است: وقتی نگاه شما روی انشائات طولی است، کامل شرع، یادتان نرود. مکرر گفتم که کامل شرع در چیست؟ در این است که وقتی شارع انشاء می‌کند دو ارزشی انشاء نمی‌کند. از نقص حقوق الآن، همین دو ارزشی بودن است. البته طلیعه آن کمی پدیدار شده است. از نقص آنها است که دو ارزشی تقنین می‌کنند. وقتی شارع به علم لایتناهی خودش می‌خواهد در هر مرحله‌ای از انشائات طولی و عرضی انشاء کند، تحت پنج ارزش، یا ده ارزش یا بیش تر انشاء می‌کند. «یا بیشتر» واقعاً درست است. یعنی نگاه می‌کند.

و لذا تا شما گفتید مریض در یک سال، یادمان باشد اگر شارع برای مریض در این دلیل خاص، سال را دلالت می‌دهد، ذهن ما فوراً سراغ دو ارزشی بودن آن نرود. یعنی بگوییم برای مریض قضا یا هست یا نیست. تمام شد. نه، وقتی شارع می‌خواهد برای قیدیت سنه در قضا مریض انشاء کند می‌تواند به نحو وجوب انشاء عزیمتی کند و می‌تواند انشاء عزیمتی کند به نحو فضیلت. می‌تواند ورای آن ده تایی که عرض کردم هم انشاء کند.

بنابراین وقتی می‌گوییم در انشاء طولی ما از دلیل استظهار می‌کنیم، به گردن آن وجوب یا وضع را به‌صورت «لیس الّا» نگذارید. به گردن او، روش خود شارع در سائر موارد بگذارید. اینکه تقنین شارع، پنج گزینه ای، ده گزینه ای و بلکه بیشتر است. ایشان که آن را گفتند می‌خواستم این را بگویم و فراموش شد. حتماً این در نظر شریفتان باشد.

یعنی هر گاه در درک طولی وارد این فضاها می‌شوید یادتان نرود که هر مرحله‌ای که روی آن فکر می‌کنید، اگر بخواهید از دلیل استظهار کنید، شارع در قبال کار خودش و رسمی که در تقنین دارد، هرگز به‌صورت دو ارزشی رفتار نکرده است. الحمد لله به متشرعه این را یاد داده است. این را باره گفته‌ام. تا به یک متشرعه بگویند این کار واجب است یا حرام است؟ اصلاً مشکلی ندارد؛ می‌گوید چرا می‌گویی یا واجب است یا حرام است؟! شارع به ما گفته پنج جور است. باید بکنم یا نکنم؟ شارع به ما نگفته؛ یا متشرعه یا باید بکنی یا نکنی. یعنی شارع در شرع خودش حداقل

مخ پنج ارزش ار کوبیده است. هرگز به یک متشرعه نمی‌تواند بگوید باید بکنی یا نکنی؟ می‌گوید ما فقط ندارم که باید بکنیم یا نکنیم، بلکه باید بکنی، نباید بکنی، بهتر است بکنی، بهتر است نکنی، میخواهی بکنی یا نکنی.

لذا من مکرر عرض کردم که این کامل شرع است. یعنی شرع با این پنج گزینه کردن، تقنین وحقوق فقه را به قدری وسیع کرده که کسی که با این‌ها مانوس می‌شود ادله شرعیه را در افق خودش با هم مجتمع می‌بیند. و لذا می‌گویند شم الفقاهة. شم الفقاهة به چه معنا است؟ فقیه می‌گوید من یک عمر زحمت کشیدم، از مذاق شرع، از مجموع کلمات شرع، یک استظهاراتی دارم که نمی‌توان آن استظهار را از یک دلیل داشته باشیم. فقط گناه من این است که یک عمر درس خواندهام! گناه من؛ من که می‌گویم منظورم آشیخ جعفر کاشف الغطاء است. می‌گفتند: «ما بین و بین اللوح المحفوظ الّا قبضی للحیتی». حاج آقا زیاد می‌فرمودند که آشیخ جعفر این را گفته بودند. شوخی نیست! یعنی سؤال که می‌پرسند دستی به محاسنم می‌کشم و تمام شد. ماشاالله! خدا رحمتشان کند! چرا؟ چون می‌گویند: من یک عمر با آن استعدادی که داشتم درس خواندم. لذا تفاوت می‌کند با من طلبه‌ای که می‌خواهم با چند استظهار از دلیل، حرف بزنم.

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 15:34:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 15:35:05 توسط ... .